

عنوان بخش

حقوق مدنی



- شخص:** موجودی را گویند که قابلیت برخورداری از حقوق و تکالیف را دارد. شخص بر دو قسم است:
- ۱- **شخص حقیقی (طبیعی):** منظور افراد انسانی است.
- ۲- **شخص حقوقی (قانونی):** مجموعه‌ای از اشخاص یا اموال که شخصیت و نقش اجتماعی یافته و می‌تواند به عنوان یک واحد اجتماعی، مانند اشخاص حقیقی دارنده حق و تکلیف شود.
- شخصیت:** قابلیت برخورداری از حقوق و تکالیف است.
- وضعیت:** موقعیت یک شخص نسبت به حقوقی است که می‌تواند دارا باشد.
- اهلیت:** توانایی یک شخص برای برخورداری از یک حق یا انجام دادن یک کار را گویند.
- دارایی:** مجموع اموال، حقوق مالی و تکالیف مالی مشخص را دارایی گویند.
- **در خصوص دارایی باید به این موارد توجه داشت که:**
- ۱- اموال و حقوق مالی را جزء مثبت و تکالیف مالی را جزء منفی دارایی گویند.
- ۲- دارایی جنبه مالی دارد. بنابراین حقوق و تکالیف غیر مالی در دارایی داخل نمی‌شود.
- احوال شخصیه؛ به آن دسته از اوصافی از یک شخص، احوال شخصیه گوئیم که دارای شرایط ذیل باشند:**
- ۱- این اوصاف جنبه غیرمالی دارد؛ ۲- این اوصاف ناظر به یک شخص است، صرف‌نظر از شغل و مقام اجتماعی او؛ ۳- این اوصاف به دلیل غیر مالی بودن، قابل تقویم به پول نیست.
- **قلمرو احوال شخصیه:** احوال شخصیه، اموری مانند ازدواج، طلاق و نسب را دربر می‌گیرد.
- **احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه؛ احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه به نحو زیر اداره می‌شود:**
- ۱- نکاح و طلاق؛ ۲- ارث و وصیت؛ ۳- فرزند خواندگی؛ ۴- اهلیت و حجر.
- **آغاز شخص حقیقی:** آغاز شخص حقیقی به موجب تولد است.
- **آغاز اهلیت تمتع در این خصوص باید توجه داشت که:**
- ۱- اهلیت تمتع با ولادت آغاز می‌شود؛ ۲- با این وجود در مواردی چنین قبل از ولادت نیز از برخی حقوق مدنی برخوردار می‌شود، ولی این حقوق مدنی در صورتی فعلیت می‌یابد که جنین زنده متولد شود.
- سقوط درمانی جنین:** سقط جنین در حقوق ما ممنوع است و به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی مستوجب پرداخت دیه و مجازات است؛ مگر آن که تمام شرایط ذیل با هم جمع باشد؛ که در این صورت سقط جنین مجاز است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.
- **شرایط عبارتند از:** ۱- تشخیص قطعی سه پزشک متخصص؛ ۲- تأیید پزشک قانونی؛ ۳- نگهداری جنین به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن، موجب حرج مادر باشد یا با تهدید جانی مادر توأم باشد؛ ۴- قبل از ولوج روح (چهار ماهگی جنین) باشد؛ ۵- زن راضی باشد.
- **پایان شخص حقیقی:** پایان شخص حقیقی را موت نامیم. موت ممکن است به یکی از دو صورت ذیل باشد:



۱- **موت حقیقی:** توقف حیات شخص و مفارقت روح از بدن.

۲- **موت فرضی:** فرض موت شخصی که غایت است و مدت بالنسبه مدیدی از آخرین خیری که از وی موجود است، گذشته باشد.

■ **مفهوم موت حقیقی؛ در خصوص موت حقیقی باید توجه داشت که:**

✓ مرگ قلبی یا همان توقف قلب به منزله موت حقیقی است.

✓ مرگ مغزی یا همان توقف مغز همراه با ادامه حرکت ضعیف قلب نیز در حقوق ایران به عنوان موت حقیقی تلقی شده است.

■ **تغییر سن؛ تغییر سن بر دو قسم است:**

۱- **تغییر سن بیش از ۵ سال:** صاحب شناسنامه فقط یک بار در طول عمر و در صورتی که اختلاف واقعی با سن مندرج در اسناد سجلی به تشخیص کمیسیون مستقر در اداره ثبت احوال بیش از پنج سال باشد، می تواند سن خود را اصلاح کند.

۱- اشخاص بالای ۱۸ سال سن؛ ۲- اشخاص کمتر از ۱۸ سال که دارای حکم رشد باشند؛ ۳- پدر یا جد پدری با ارائه شناسنامه خود جهت فرزندان کمتر از ۱۸ سال؛ ۴- قیم و وصی برای افراد تحت سرپرستی خود با ارائه مدرک مستند که سمت او احراز شده باشد.

۲- **تغییر سن کمتر از ۵ سال:** این نوع تغییر سن به استناد ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آن‌ها (۱۳۶۷) ممنوع است؛ با این وجود محاکم، نسبت به آن، اقدام به صدور رأی می نمایند.

حجر

✓ **اهلیت:** اهلیت متعاملین یکی از شرایط صحت معاملات است. اهلیت به معنی توانایی برای انجام امور است. دو قسم اهلیت وجود دارد:

۱- **اهلیت تمتع (تملک):** این اهلیت، به معنی اهلیت دارا شدن حق است. کسی که اهلیت تمتع نداشته باشد اصلاً نمی تواند حقی را دارا شود.

۲- **اهلیت استیفا (تصرف):** اهلیت اجرای حق را اهلیت استیفا گویند. شخصی که اهلیت استیفا ندارد می تواند دارنده حقی شود اما نمی تواند در حق خودش تصرف کند.

✓ **ارکان اهلیت استیفا:** اهلیت استیفا سه رکن دارد:

۱- **بلوغ:** در حقوق ما از بین معیارهای مختلفی که در فقه برای بلوغ آمده، تنها معیار سن در نص قوانین پذیرفته شده است.

۲- **رشد:** یعنی توانایی عقلی و دماغی برای سنجش نفع و ضرر اقتصادی. در قانون مدنی برای اثبات رشد، سن خاصی مشخص نشده، اما در قانونی به نام «قانون راجع به رشد متعاملین» ۱۸ سال تمام شمسی به عنوان اماره رشد در نشر گرفته شده است.

۳- **عقل:** به معنی قدرت تعقل و آگاهی از امور اطراف است. معیار تشخیص جنون یا عقل در حقوق ما عرفی است. در برابر عقل، جنون قرار می‌گیرد.

✓ **حجر:** به فقدان اهلیت استیفا، حجر گفته می‌شود؛ گرچه گاه در برخی از مکتوبات برای فقدان اهلیت تمتع نیز از عبارت حجر استفاده شده است. با این وصف، باید توجه داشت که زمانی که حجر به صورت مطلق استفاده می‌شود، منظور همان فقدان اهلیت استیفا است.

✓ **حجر بر دو قسم است:**

۱- **حمایتی:** یعنی شخص را به دلیل محدودیت‌های روحی و جسمی که دارد محجور معرفی می‌کنیم تا از حقوق او در برابر اشخاص ثالث حمایت کنیم.

۲- **سوءظنی:** یعنی از آنجا که به محجور سوءظن داریم و می‌خواهیم از حقوق اشخاص ثالث در برابر محجور حمایت کنیم، شخص را محجور قلمداد می‌کنیم.

✓ **اقسام صغیر؛ صغیر بر دو قسم است:**

۱- **صغیر ممیز:** صغیری را که اجمالاً خوب و بد خود را تشخیص و تمیز می‌دهد، صغیر ممیز گوئیم.

۲- **صغیر غیر ممیز:** صغیری را که اجمالاً خوب و بد خودش را تشخیص نمی‌دهد، صغیر غیر ممیز گوئیم.

✓ **اقسام جنون؛ جنون بر دو قسم است:**

۱- **ادواری:** چنین فردی که در برخی اوقات دچار عارضه جنون است و در برخی اوقات حالت آفاقه دارد.

۲- **اطباقی (دایمی):** جنون چنین مجنونی همیشگی و دایمی است.

سرپرستی کودکان و نوجوانان

✓ **سرپرستی:** حفاظت از کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی

آنان که با اذن ولی فقیه به اشخاصی غیر از پدر و مادر ایشان واگذار می‌شود. قواعد سرپرستی تابع قانونی به نام قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست (مصوب ۱۳۹۲) است.

✓ **متقاضیان سرپرستی:** افراد زیر می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را از

سازمان درخواست کنند:

✓ زن و شوهری که پنج سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته باشد و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

✓ زن و شوهر دارای فرزند، مشروط بر اینکه حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

✓ دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل سی سال داشته باشند. بدیهی است که ایشان منحصراً حق سرپرستی اناث را خواهند داشت.

✓ **اولویت در پذیرش سرپرستی:**

✓ اولویت نخست با زن و شوهر بدون فرزند؛

✓ درخواست‌کنندگان کمتر از پنجاه سال؛



✓ در صورتی که سرپرستی، ادعای یافتن طفلی را بنماید و ادعای وی در دادگاه ثابت شود، اگر واجد شرایط مندرج در این قانون برای سرپرستی باشد در اولویت واگذاری سرپرستی قرار می‌گیرد.

✓ شرایط سرپرست؛ درخواست‌کنندگان سرپرستی باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- تقید به انجام واجبات و ترک محرمات؛ ۲- عدم محکومیت جزائی مؤثر؛ ۳- تمکن مالی؛ ۴- عدم حجر؛ ۵- سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عمل برای نگهداری و ترتیب کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی؛ ۶- نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، موارد روانگردان و الکل؛ ۷- صلاحیت اخلاقی؛ ۸- عدم ابتلاء به بیماری‌های واگیر و یا صعب‌العلاج.

✓ **شرایط شخص تحت سرپرستی:** سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط ذیل باشند:

✓ امکان شناخت هیچ‌یک از پدر، مادر و جد پدری آنان وجود نداشته باشد.
✓ پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید حیات نباشند.
✓ افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیت‌دار به سازمان سپرده گردیده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنان مراجعه نکرده باشند.

✓ هیچ‌یک از پدر، مادر و جد پدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح، این امر حتی با ضمن امین یا ناظر نیز حاصل نشود.
✓ کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در بندهای فوق باشند، مشمول سرپرستی می‌شوند.

فسخ حکم سرپرستی:

۱- دادستان و سازمان بهزیستی در صورتی که ضرورت فسخ حکم سرپرستی را احراز نمایند، مراتب را به دادگاه صالح اعلام می‌کنند.

۲- حکم سرپرستی، پس از اخذ نظر کارشناسی سازمان بهزیستی، در موارد زیر فسخ می‌شود:

✓ سرپرست فاقد اوصاف مقرر قانونی شود، برای مثال معتاد یا دچار فساد اخلاق شود.
✓ تقاضای سرپرست منحصر یا سرپرستان در صورتی که سوء رفتار کودک یا نوجوان برای هریک از آنان تحمل‌ناپذیر باشد.

✓ طفل پس از رشد با سرپرست منحصر یا سرپرستان توافق کند.
✓ مشخص شده پدر یا مادر یا جد پدری کودک یا نوجوان و یا وصی منصوب از سوی ولی قهری در صورتی که صلاحیت لازم برای سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر از سوی دادگاه، دارا باشند.

✓ ازدواج سرپرست:

✓ هرگاه سرپرست درصدد ازدواج برآید، باید مشخصات فرد مورد نظر را به دادگاه صالح اعلام کند.
✓ در صورت وقوع ازدواج، سازمان بهزیستی مکلف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام تا با حصول شرایط این قانون، نسبت به ادامه سرپرستی به صورت مشترک و یا فسخ آن اتخاذ تصمیم کند.